

گزارش

در نشست نقد و بررسی مستند «هاشمی زنده‌است» مطرح شد پاس گل به ضدانقلاب

● نشست نقد و بررسی مستند «هاشمی زنده است» با حضور علی طالبی‌طادی، کارگردان، عباس سلیمی‌نمین؛ پژوهشگر تاریخ و فؤاد صادقی، نویسنده و روزنامه‌نگار برگزار شد. به گزارش «ایران‌پلاس»، در این نشست که عصر روز یکشنبه، شانزدهم دی، از سوی بنیاد فرهنگی روایت فتح در سالن اسوه برگزار شد، ابتدا مستند صدقیقه‌ای «هاشمی زنده است» به نمایش درآمد و پس از آن، با طرح این سؤال از سوی احسان رستگار، مجری برنامه که «رسالت یک مستند چیست؟»، میگرد نقد و بررسی این مستند آغاز شد.

مستندی خالی از ارزش هنری

فؤاد صادقی با بیان اینکه «این فیلم از ارزش هنری خاصی برخوردار نیست»، گفت: «از این جهت بیشتر باید از زاویه مفهومی به این فیلم پرداخت. اهمیت این فیلم در نگاه سازندگان آن است؛ سازندگانی که با وجودی که دانشجو معرفی شده‌اند، ولی درواقع یک شکل شبه‌دانشجویی هستند که بناست بلندگوی یک جریان خاص قدرت‌مند در کشور باشند؛ جریانی که در حوادث دهه‌های اخیر ردپای محسوسی دارد». وی ادامه داد: «توليدات این چنینی را به فراوانی می‌توان در این سال‌ها از شبکه‌های مختلف تلویزیون دید؛ اتفاقا با صدای گوینده همین مستند؛ یعنی آقای ناصر طهماسب که یکی از گران‌ترین گویندگان کشور است.» صادقی افزود: «نگاه حاکم بر این جریان را باید در جملات پایانی این مستند دید که معتقد است انقلاب و ریل اقتصاد کشور از ۶۸ سال به‌بعد به انحراف رفت و با همه تفاوت‌های دولت‌ها و مجالس شورای اسلامی که در این ۳۰ سال روی کار آمدند، همچنان بر این انحراف پیش می‌رود تا وقتی کسی بیاید و این را به مسیر اصلی خودش برگرداند». وی این نگاه به کشور و انقلاب را نگاهی بسیار غلط‌راک دانست و گفت: «این نگاه برای رای مردم هیچ ارزشی قائل نیست». اینکه ما حاصل انتخاب‌های گوناگون مردم در این ۳۰ سال را یکسره انحراف بخوانیم، نشان می‌دهد که برای رای مردم و همچنین برای رهبری انقلاب ارزشی نداریم. بنیستم، به‌هرحال از سال ۶۸ سکندار اصلی اداره کشور مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، هستند. هیچ شخص دیگری را غیر از رهبر معظم انقلاب نمی‌توان نفر اول کشور در این ۳۰ سال دانست. ازاین‌رو، نگاه حاکم بر این فیلم، جفا به فردی است که بالاترین مسئولیت را در این ۳۰ سال در کشور داشته است». این نویسنده و روزنامه‌نگار، نگاه توهم‌آمیز به مجموعه اتفاقات کشور را ویژگی این مستند خواند و گفت: «بر اساس ادعای فیلم، باید بررسی کرد و دید قبل از سال ۶۸ قطار کشور را کدام ریل بوده که آقای هاشمی از سال ۶۸ آن بر محضر کرده است. تا پیش از پیروزی انقلاب که قطار کشور بر ریل شاهنشاهی بوده است. بعد از پیروزی انقلاب هم که دولت موقت و مهندس مهدی بازرگان اداره کشور را به دست گرفت که قطعا از نگاه سازندگان فیلم منحرف است. پس از او نیز، بنی‌صدر و بعد از آن نیز دولت مهندس میرحسین موسوی که سکند اداره کشور را به دست گرفتند که قطعا به نظر سازندگان فیلم همگی منحرف هستند. به‌این‌ترتیب، ما ملتی هستیم که نه از سال ۶۸ که از ابتدای انقلاب، اشتباه کرده‌ایم.» صادقی افزود: «روایت فیلم این است که امام در جنگ به یک فرد انحرافی اعتماد کرد و رهبر انقلاب هم در ۷۶، درباره یک فرد انحرافی گفتند که هیچ‌کس برای من هاشمی نمی‌شود». صادقی با انتقاد از نام مستند گفت: «فیلم با عنوان «هاشمی زنده است» به تسخر جمله حضرت امام درباره آقای هاشمی می‌پردازد تا بگوید انحراف هنوز هم زنده است. حال آنکه واقعیت این است که هاشمی زنده است. دو سال است که دیگر زنده نیست و ما باید برای آینده خود تصمیم بگیریم؛ آیا می‌خواهیم به بسخه‌هایی بازگردیم که همه را انحرافی می‌دانند؟»

خانواده هاشمی به ما تهمت زدن

این نشست با اظهارات علی طالبی‌طادی، کارگردان این مستند ادامه یافت. او اظهار کرد: «نکته اول اینکه، خانواده آقای هاشمی به ما اتهاماتی زدند. آقای یاسر هاشمی گفتند مقدار زیادی از تصاویر مستند دروغ است، حال آنکه ما اسرار مگوییم. گفتیم، همه قیلا گفته شده است. حتی برخی اهل فن به ما خسرده می‌گیرند که ماوراد بدیهی را دوباره طرح کرده‌ایم. ما به آقای یاسر هاشمی نامه هم زدیم و گفتیم بیاید با هم مناظره کنیم، اما از سمت ایشان جوابی دریافت نکردیم. الان هم باز اعلام می‌کنیم حاضرم با ایشان مناظره کنیم. البته قابل پیش‌بینی بود، نگاه این بزرگواران که بالا بالا به پدین است و همیشه یک‌طرفه صحبت کرده‌اند؛ ما یک مجموعه دانش‌جویی هستیم به نام سفیرفیلم، چرخش مالی ما مشخص است. هزینه مستند هم مشخص است. آقای محمد هاشمی گفتند این مستند سه میلیارد خرد داشته است.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه ۳

اصلی‌اش دولت روحانی است.

دولت روحانی می‌داند که اگر کنترل امنیتی شدید وجود نداشته باشد، بار دیگر در معرض اتهامات قرار می‌گیرد. شما نظرسنجی‌هایی را که در سال ۱۳۸۴ در رابطه با رضایت اجتماعی از دولت خاتمی و در سال ۱۳۹۲ در رابطه با رضایت اجتماعی از دولت آقای احمدی‌نژاد شده، در نظر بگیرید؛ در سال ۸۴، ۶۵ درصد از دولت خاتمی رضایت اجتماعی داشتند. در سال ۱۳۹۲ از احمدی‌نژاد ۳۴ درصد رضایت اجتماعی داشتند. میزان رضایت اجتماعی امروز مردم را مشخصا از دولت آقای روحانی ببینید. ما یک شاخص داریم؛ شاخص کارآمدی و شاخص ناکارآمدی. این شاخص‌ها براساس، یک ثبات، دوپاسخ‌گویی و سه شفافیت سنجیده می‌شود. ببینید نظرسنجی انجام‌شده در سه ماه گذشته نسبت به دولت روحانی چه وضعیتی دارد. این را ببینید به چه صورت است چون اگر من بگویم احساس می‌شود روی هوا آمار می‌دهم. ببینید مؤسسات نظرسنجی متفاوت در شهریور ماه ۱۳۹۷ میزان رضایت اجتماعی از دولت روحانی را چه میزان می‌دانند. الگویی که دولت روحانی در پیش گرفته، فرار به جلو است. در چهار سال اول دولت قبلی را متهم می‌کند. در یک‌سال‌ونیم بعد از آن نظام سیاسی را متهم می‌کند؛ یعنی می‌گوید من می‌خواهم کار کنم اما نمی‌گذارند. بعد که می‌فهمد اگر همین نیروهای ساختاری نبوده‌اند او نمی‌توانست بقا نداشته باشد، مردم را متهم می‌کند و خطاب قرار می‌دهد و می‌گوید امروز شما مردم هستید که مورد سنجش قرار می‌گیرید که به چه میزان در برابر مشکلات پایداری خواهید داشت. هیچ‌وقت بحث پاسخ‌گویی مطرح نمی‌شود که این مشکلات را چه کسی ایجاد کرده و این مشکلاتی که ایجاد شده چه پیامدهایی برای کل ساتح سیاسی دارد. رویکرد جدی باید به‌وجود بیاید؛ مجموعه اصولگرا باید بداند که نظام سیاسی بدون نقش‌یابی دولت دچار آسیب‌پذیری خواهد بود. از طرف دیگر دولت هم باید بداند که متهم‌کردن نظام سیاسی و مجموعه‌های دیگر، آسیب‌هایی ایجاد می‌کند که برای خودش بی‌نهایت گسترده خواهد بود، یعنی کسانی که در سال ۹۶ به دولت روحانی رای دادند، به‌ویژه حوزه‌های خاکستری، امروز به‌هیچ‌وجه پای کار نیستند. آیا امروز حزب اتحاد ملت حمایت می‌کند؟ آیا اصلاح‌طلبان مربوط به حزب مشارکت حمایت می‌کنند؟ آیا از مجاهدين انقلاب کسی حمایت می‌کند؟ از کرباسچی و حسن مرعشی که نماد کارگزاران هستند، حمایتی که نمی‌بینیم هیچ، نقدهای بسیار جدی نیز می‌کنند. بعد از آن نقدهایی است که از سوی مشارکتی‌های قدیم، اتحاد ملت جدید و مجاهدين انقلاب صورت گرفته است. من فکر می‌کنم نسبت در درون جبهه سیاسی و نیروهای اجتماعی که به دولت رای دادند، بسیار زیاد است که این مسئله چالش‌های فراوری دولت را در سال ۱۳۹۸ بسیار بیشتر و بیشتر می‌کند.

آقای دکتر احیانا مسئولیتی که بر دوش دولت می‌گذارید، بیشتر از توانش نیست؟ ما درباره دولت در سخنرانی‌های انتخاباتی اینجا می‌گویم صحبت می‌کنیم، این دولت هرگز مثل دولت کشوری مانند آمریکا توان اعمال سیاست‌های خود را ندارد. توان انتخاب وزیر خودش را هم گاهی ندارد. این به معنای تره‌نکردن دولت نیست؛ اما اگر می‌خواهیم بدانیم که چه شد که امروز به اینجا رسیدیم، باید فرایندی را ببینیم که زمانی که بشکسته ثقت ۱۲۰ دلار بود، ظهور و بروزی نداشت و امروز که کسری بودجه داریم و هنوز هم سهم‌خواهان بودجه‌ای وجود دارند و به دنبال منافع خود هستند، اجازه تکان خوردن به کسی را نمی‌دهند. چقدر می‌توان از دولت انتظار داشت